

in the name of Allah, the beneficent the merciful

رساله شصت و ششم از محمود صانعی پور (برهان): خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر (LLL)
ابداع کننده مدل UKRM در جهان

The discourse 66 from mahmoud saneipour (reasonable): interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

موضوع رساله: در نظام علیت تراکمی ، ما به افعال واسطه نیاز داریم، تشخیص این افعال برهانی است و از روش هائی بهره مند میشود که بخشی از آن در این رساله است

The discourse subject: in the condensed causal system, we need to intermediary actions, recognizing these actions are reasonable and benefit from the ways that is part of it in this discourse



Mahmoud saneipour

Date: 3/21/2020

در این رساله می خوانید: (You read in this discourse)

1. گزارشات جمعی (Collective Reports) از یک مرکز واحد در نظام کشوری به عنوان "قاعده تنظیم کننده نظام" (the rule of Regulator system) ضروری است
2. روش شناسی از نوع حکمتی- فلسفی ، ما را به تنظیم کننده و زنجیره محکم و حلقه های مفقوده نظام میرساند که الگو دیگری از برکات انقلاب است (State-philosophical and wisdom methodology)
3. بر اساس مدل قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM)، منظورمان از تخصص در امر مدیریت چیست و به چه آمیخته هائی از آموزه های اساسی نیاز دارد (useful knowledge rules management)

4. آشنایی با مبانی شی گزایی در سیستم گذاری در غرب و اشکالات آن (Introduction to the basics of object- in the west and its problems)

5. شکنندگی امروز غرب در حوادث تکوینی ربطی به ایران هراسی ندارد ، غرب باید از درون خنثی شده خود از حکمت و فلسفه حقیقت یاب هراسناک باشد (The fragility of the West today It has nothing to do with Iran in genesis events ,the west must afraid (from inner of it-self

6. هر علمی نباید در قالب های رویکردی خود بسندگی اختیار کند و خود را در راس علوم تلقی کند ، مدیریت جهانی حکم میکند که از همه مفیدیت های تجربی ، حکیمانه ، فلسفه حقیقت یاب ، آزمون های تائید شده جهان بشریت بهره مندی حاصل شود .
(every science shouldn't know Self-sufficiency approach and higher on other sciences)

1. گزارشات جمعی (Collective Reports) از یک مرکز واحد در نظام کشوری به عنوان "قاعده تنظیم کننده نظام" (the rule of Regulator system) ضروری است

وحدت و کثرت وجود در حکمت متعالیه (فلسفه اولی) و در مراتب اشراقی در عرفان و بخصوص در عینیت های خارجی آن ، یک بحث تطبیقی و برهانی (Adaptive and reasonable) است و آمیزه ای از مفاهیم فلسفه و عرفان بوده و در حال حاضر ، با توجه به قاعده شاخص های مناط (of basis indices) ما به گزارشات جمعی (Collective Reports) از یک مرکز واحد در نظام کشوری نیاز داریم این قاعده ما را به تنظیم کلیه قوانین ، مقررات ، آئین نامه ها ، دستور العمل ها ، نظامنامه ها ، کارکردهای منظم و وحدت گونه در سطح کلیه قوا و وزیر بخش های در حکمرانی و اتصال آنها به به بخش مردمی و کلیه نهادهای دولتی و خصوصی به عنوان "قاعده تنظیم کننده نظام" (the rule of Regulator system) حکم میکند .

امروزه مدل های کارت متوازن کاپلان و نورتن (BSC) یا تریز (Creanovatology TRIZical) که در زمان ابداع و بکار گیری آنها در بعضی سازمان های موفق بود و از خلاقیت های مهم در باب مدیریت در حل مسائل به شمار میرفت ، با توجه به شکست پی در پی در نظام سرمایه داری غرب (رجوع شود به 300 مقاله و 70 رساله از این ابداع کننده) ، دلایلی وجود دارد که دیگر کارائی مورد نظر را برای نظام حکمرانی از جنس احکام اسلامی و قرآنی نداشته و حقایقی که فهم آنها برهانی بوده و براهین آن از حکمت و فلسفه اولی و بسیاری فرامین و احکام عدالت گستر و مورد انتظار جوامع بشری سرچشمه میگردد ، حتی برای غرب هم پاسخ گو نمی باشد (به رساله هشتم من مراجعه شود).

احکام غربی از کل حقایقی که در طول تاریخ حکمت و فلسفه ارسطویی ، کانتی و دکارتی غیره و بطور کلی از فلسفه حقیقت یاب و ضرورت شناس و هزاران احکام که کل نظام حکمرانی را مورد صدق و اثبات مفیدیت عام قرار میدهد، غفلت کرده و به جزئیات و ادامه شکست کار و افعال واسط و منبعث از جزئیات علوم حسی - ابطالی (Sensory Sciences - Falsification) ادامه داده و بدون توجه به دلایل ابطال بعضی روش ها به آن پرداخته

است ، البته این شکنندگی نظام غربی (The fragility of the Western system) برای اهل دانش و بخصوص محققین حقیقت یاب و جستجوگران عدالت و کسانانی که در این نظام سلطه به سر میبرند هستند و شاهد تخریب و اهنجاری های آن هستند امری واضح و کاملاً مبرهن بوده و انتظار علاج و رهایی از این وضعیت به ظاهر فریبنده و در باطن بسیار مهلک و مخرب روح و جسم انسان ها است را طلب میکنند.

بنابراین ادبیات و زبان گزارش دهی کسب و کار محسوس تحت عنوان " eXtensible Business Reporting Language is a " Reporting Language software standard that was developed to improve the way in which financial data is communicated, making it easier to compile and share this data و سایر شقوق اقتصادی و غیره در دستور کار حوزه غربی قرار گرفته است ، اگر چه در تجمیع و تمرکز گزارش دهی نظام مند ، ابداع موثری به نظر میرسد ولی ، بدلیل فقدان های بنیادین در قواعد مدیریت دانش مفید (ukrm) یک تله دیگر برای نظام های تابع سرمایه داری محسوب شده و باطل میباشد و ماباید نظیر بسیاری از علوم و فنون که بعلت برکات منبعث شده از تحریم ، خودمان مبدع الگوها و پارادایم های مفیدی شده ایم در این مورد هم ، راه آزادی و استقلال خودمان را بر مراحل کشف و شهود و بدور از علوم حسی- ابطالی غرب دنبال کنیم .

از قدیم گفته اند جوینده ، یابنده است ، من بکرّات این معجزه را تجربه کرده ام و نهایتاً می خواهم بگویم که جوینده هدف دار به هدف خود میرسد ، در هدف خود به مرحله کشف و شهود دست می یابد ، ابداع میکند ، اختراع میکند ، و به مردم دنیا کمک میکند و یاری میرساند .

سخن حکیمانه فوق را در رساله 67 ام (بعد از 300 مقاله ای که ارائه دادم) با براهین کافی باز گو کرده و به اثبات میرسانم تا جوانان و حتی سالخورده های امروز و فردای این دنیا ، از این سخن پند گرفته و از رنج و سختی جویندگی و تحقیق و یادگیری و کشف و شهود ، هراسی بدل راه ندهند ، خداوند متعال ، این گونه رنج ها را در کاوش های حقیقت و تبلور جنبه های حق و حق خواهی برای بشر نیازمند به کمک و پیشرفت ، تبدیل به لذت زندگی و شوق محقق و دوران عشق و رزی او در رسیدن به هدف یا اهداف ایده های بشر دوستانه او قرارداد داده است ، بطوریکه نه اینکه احساس خستگی و رنج نمی کند ، بلکه تبدیل به قهرمانی میشود که خستگی را از پای درمیآورد، و کوشش کردن و کشف و شهود کردن ، آئین و روش و کارکردهای روزانه وی میگردد.

هر چیزی که بطور عادلانه ، منطقی و عقلانی حل و فصل نشود و صرفاً برای پول درآوردن و یا طرح حیّلی برای جیب خالی مردم و چپاول گری باشد و برای مردم ایجاد زحمت ، مصیبت ، معضلات و مشکلات نماید ، بر اساس حکمتی که ما آموختیم ، آینده چنین افراد سودجو و سوداگر و مجرم ، جزء گرفتاری بدست جریان و حلقات عدالت و دادستانی عدل الهی نصیبی ندارند ، برای اینکه ، خداوند متعال

حقوق مردم را بر یک عبادت و تشکر قرار داده و گناه حق کشی و حق خوری مردم را نبخشیده و تا این بدهی از چپاول گر به صاحب حق اداء نشود ، این مجرم در زندان دنیا و در جهنم آخرت خواهد بود

بعضی از مردم گمان می‌کنند که عبادت تنها به نماز خواندن و روزه گرفتن بوده و پاره‌ای از اینان بحدی در غفلت و نادانی و خودخواهی فرو رفته‌اند که اگر در برابر دیدگانشان مردم از گرسنگی جان بدهند، هیچ متأثر نمی‌شوند اگر چه مطلع شوند که در این دنیای و انفسا، عده ای هستند که برای گرسنگی ، کوکی گل یا فضله گاو می‌خورند و سنگ صبوری بر شکم می‌بندند، عابدترین مردم آن کسی است که نسبت به مردم خیرخواه تر از دیگران و نسبت به تمام مسلمین سلیم القلب تر و باصفا تر باشد بنابراین، اگر مرجع حاجات مردم نیازمند باشید ، خیلی خوشحال باشید که خدا شما را دوست می‌دارد و چنانچه در خانه یا دفتر کارتان به روی مردم بسته شد و مردم به شما مراجعه نکردند یا نتوانستند مراجعه کنند، بدانید که از رحمت خدا محروم شده‌اید و باید به جای خوشحالی، ناراحت و اندوهگین شوید.

حوادث 41 سال انقلاب ، چه از ناحیه تحریم ها و چه از ناحیه اراده خداوند متعال و حوادثی که علی الظاهر خرد کننده نظام بوده ، ولی همگی آنها با مقاومت و ایستادگی ، مجاهدت ها ، شهادت ها ، خلاقیت ها و غیره و با اتکال به خداوند متعال ، نظام جمهوری اسلامی را در جبهه های مختلف پیروز نموده است و هر بخشی از نظام که مبتلا به حادثه ای تکوینی اراده خداوند برای اعتلاء و تقویت نظام اسلامی ایران بوده ، روندی برخلاف دشمنان داخلی و خارجی پیدا کرده و خود باعث تکوین راهکارهای نظارت و کنترل و استفاده بهینه از منابع و نیروی انسانی نظام گردیده است ، تمام پیشرفت های نظام نظیر تقویت تسلیحات نظامی و موشکی ، توسعه علوم و فنون نانو، سلول های بنیادین ، ژنتیک ، نظام پزشکی و دارویی ، رهائی از تک اقتصادی از نفت ، رونق تولید و افتتاح جبهه جدید فتوحات دفاعی ، مبارزه چشم گیر با بیماری های مسری و اپیدمیک ، توسعه دانشگاه ها و صدها زیر ساخت ، ژرف ساخت و روساخت های فیزیکی و معنوی از روند های تکوینی به خواست خداوند مهربان بوده است که شهود آنها مستلزم ، بصیرت است که در امت وسط از مردم ایران واقع شده است.

نکته برجسته مطالب من در تمام نوشته هایم اینست که ما از برکت بدون تردید حوادثی که در بادی امر تلخ و ناگوار بوده ، روش ها و الگوها و شرایط مثنی و شیوه خود را بطور قهری کشف و شهود کرده و برای رفع بحران ها که گاهی از ایران هراسی دشمن بوده و گاهی از ضربات متنوع و مکرر دشمنان داخلی بوده ، گاهی با مماشات بوده ، گاهی خواب آلودگی و سرسپردگی و سرگرمی های غیر ضرور بوده و هکذا ، با تشردوست و عتاب رحمان و پرخاش جبروتی صاحب جود برای ساخت و سوز و زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لباس رزم بتن آراسته ایم ، از زن و مرد و جبهه در جوار جبهه و در اطراف کعبه وجود و حلول طلیعه برکات خدای رحمان و بعد از این چنین خواهد بود که پاکی بیشتری خلق شده و مهر بیشتری در دل ها افتاده است و صدها جبهه دیگر ، کیان نظام بیک ساختمان مقاوم در برابر صهیونیسم و شیطان بزرگ و هم پیمانان آنان مبدل ساخته

و در این روند سلب و ایجاب الهی ، هر حادثه ای به ریزش دشمن داخلی و خارجی می انجامد و به رویش و خلق جدیدی در رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت ، اگر چه من در مدل ابداعی خود که بالغ بر 500 هزار صفحه نگارش است ، به بقیه جبهه ها اشاره کرده ام ولی جوینده یابنده ، کشف و شهود کننده و کمر همت به کمر بسته و ابزار دفاع آماده کرده و ده ها خدمت باورنکردنی دیگر که در مقاصد خدائی برای تحقق اهداف الهی انقلاب اسلامی مقدر شده است ، مضبوط است و در این روند ، بر ایران هراسی دشمن افزوده شده و کار از نصایح گذشته (لَکُمْ دِیْنُکُمْ وَ لِی دِیْنِ (۶) سوره کافران) ، و باید بدینسان زمینه و بستر برای ظهور آقا آماده شود.

2. روش شناسی از نوع حکمتی- فلسفی ، ما را به تنظیم کننده و زنجیره محکم و حلقه های مفقوده نظام میرساند که الگو دیگری از برکات انقلاب است

در دینامیسم (Dynamism) و مکانیسم (mechanism) جهان هستی (رجوع به رساله 67 من) ، بدون روش شناسی از مشی حکمت متعالیه و فلسفه اولی ، درکی ناقص و درهم برهم داریم ، چون منحصر کردن نیروها و اثر آن در محدوده کره زمین و بی توجهی به اثرات هستی در بقا و دوام این کره در موضوع "انسان" که خلیفه خدا در روی زمین است (منظور کسانی که لایق مقام خلیفه الهی ذات حق هستند) و نیز ترکیب و ساختمان هستی روی زمین ، توصیف دقیق عملکرد مکانسیم یا مراحل مختلف یک کنش یا واکنش های انسان ، طبیعت و سایر موجودات در آن ، رخدادها ، پدیده ها ، ساز و کارها در این ساختمان قابل زیست را درک میکنند ، منفصل از تاثیرات کل هستی نیست و هر کس ، هر گروه و هر نظام حکومتی که فاقد این فهم و درک باشد ، فاقد عقل زیستی برای انسان و سایر موجودیت کره زمین است.

من سرگذشت همه فیلسوفان راه حق و حقیقت جو و خوش نام ، حتی فیلسوفان بدکردار را مطالعه نمودم (که با **مرض سفلیس و قانقاریا** به درک واصل شدند- قانقاریا ، یا **سیاهمردگی فساد و عفونتی** است که در قسمتی از ماهیچه یا استخوان پیدا شود و آن را سیاه و فاسد کند، بطوریکه خانواده بیمار وی را از خانه بیرون می اندازند ، **چون مسری است**) و دریافتم که مکتشفین ، مخترعین ، محققین ، دانشمندان و نظایر اینها را که در حل این بیماری ها موفق شدند با یک فطرت خدا پرستی و نوع دوستی که در خمیره و نفس آنها بوده و همین ، خصیصه بوده که آنها موفق و سرآمد کرده است، اینان دریافته اند، امور با برهان علیت (The causality argument) در مسیر کشف و شهود (Revelation) قرار داده است و دلالت (implication) یا واسطه بین دال و مدلول را کشف و فهم کردند ، بطوریکه بدون این واسطه ، هیچ علتی به معلول مفید تبدیل نمی شود ، در این مورد ، هر امری بطور تصادفی نیست و اصلاً ما تصادف نداریم ، علیت (causality) یا علیت تراکمی (The causality of congestion) از گونار میردال (Gunnar Myrdal) بیک یا چند واسطه نیاز دارد، در علت تامه که واسطه آن توسط جوهر های عقلانی و از جانب خداوند بصورت درمیاید ، نقش انسان را بگونه علیتی از جنس علیت تراکمی نشان داده و با واسطه است و انسان نقش اساسی در تشخیص این واسطه ها و استفاده از این اتصالات در تبدیل علت به معلول مفید خواهد پیدا میکند (قابل توجه شرکت

های دانش بینان و استارت آپ ها (Startups) ، مفیدیت معلول یا اثر یا نتیجه که انسان در آن نقش دارد ، جزء دروس UKRM از ابداعات این محقق است.

من نام این واسطه را فعل (action) مینامم و منظور از فعال شدن (activate) ، که به بیانی دیگر مربوط به توحید افعالی (unique actionable) یا نظام علیت (The causal system) است که بحث مفصل آن در دانشنامه بزرگ قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) آمده و چند تصویر از این جریان ، پیوست این رساله است ، یعنی محقق باید تامل کند که در نظام علیت ، ما چه افعال و کارکرد (Function) اجتماعی را می خواهیم حل کنیم که خواست و اراده خداوند متعال در آن مقدر است و در حقیقت: «لا مُؤَثَّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ»؛ (هیچ موجودی تأثیر مستقل ندارد جز خداوند- اصول کافی، جلد 1، باب معرفة الامام...، حدیث 7، صفحه 183)، در غیر صورت تلاش گر برای حل مسائل اجتماعی ایده ای ندارد یعنی بر حسب و ضرورت شناسی اسباب و وسیله افعالی توحیدی را نمی شناسند که بحل مسئله و یا رفع بحران نائل شوند و تلاش های شبانه روزی محققین و دانشمندان دنیا برای زدودن بحرانی نظیر جریان بازار قرمز (red market) است که فقط در جهت حداکثر کردن منافع شخصی سوداگرانه است و هیچگاه به آرزوی بازار اقیانوس آبی (blue ocean market) دست نخواهند یافت ، چون ایده آنان نسبت به مطالبات حقه مردم خنثی (Neutral) است و لذا بهینه پاراتو (The optimal Pareto) به عنوان یک شیوه معروف، برای معاملات، باطل قطعی است و بلکه با شیوه های رفتاری و افعالی غیر توحیدی ، جنگ تجاری (war trading) شدت میگیرد. [Jump to ۳ بهینه پارتو ضعیف و قوی - بهینه پارتو ضعیف و قوی \[ویرایش\]. یک پارتو ضعیف \(wpo\) اسماً راضی می‌کند](#)

حداکثر سازی برای خود و حداقل سازی برای رقیب در بازار رقابت (competition market) برای نظام سرمایه چپاول گر مطلوب تر است که در بازار منافع خود حداکثر و منافع رقیب را حداقل نماید، حتی ویلفردو فدریکو داماسو پارتو در نوشته های خود توصیه کرده است که حد انصاف را برای رقیب مراعات کنند که توصیه و نصیحت ، جزء روش های معاملات و رفتارهای بازار رقابت مغرضانه و سود جویانه نیست ، روزی که آدیداس (Adidas) در آلمان تاسیس شد، فریاد برآورد که تمام رقبایش را به زمین خواهد زد (در سال ۱۹۲۴) ، تا پایان دهه ۱۹۸۰، ضربات سختی به آدیداس در آمریکا وارد شد. فروش آن ها به دو بیست میلیون دلار کاهش پیدا کرد و نایک رکورد ۲/۴ میلیارد دلار را برای خود ثبت کرد. در آن زمان، نایک و ریباک بیش از ۵۰ درصد از سهم بازار آمریکا را تصاحب کردند و سهم آدیداس به ۳ درصد رسید، برند آدیداس در آن زمان به خاطرهای دور برای میان سالان آمریکایی تبدیل می شد و جوانان نیز شناختی از آن نداشتند. در سال ۱۹۹۳، یکی از کارشناسان کسب و کار از این عبارت برای Adidas استفاده کرد: "برندی که پنج گلوله به سرش شلیک شد" من در طرح این مسائل عدیده در 300 مقالات خود و یا رساله های خود ، این نوع سوداگری را مختص غرب دانسته که شیوه های ظالمانه و خاص خود را به صورت رشته های درسی در مراکز اکادمیک شرق هم سرایت داده است و تحت استراتژی های متنوع و متعدد رقابت در بازار ، جنگ رابه بازار رقابت تبدیل کرده است و این جنگ بازار

، جنگ های خونین دیگری را وجود آورده که در جدول هزاره چالش ها و بحران ها از این محقق ، مشاهده میکنید، این دورس از نظر طرح ما باطل است و بایستی زوده شود.

اساس روش شناسی حکمتی- فلسفی ، صحت شناسی و دروغ شناسی است ، مدیر باید با آموزش های دروس میان رشته ای این حکمت بالغه ، حقایق فلسفی اولی ، بسیاری از اعتباریات را و وهمیات بشناسد، خود اعتبارات ، بیشتر از انتزاع ذهنی و پردازش های غیر حقیقی است ، باید قبول کنیم که اعتبار اسکناس های بدون پشتوانه کشورهای مختلف ، ذاتی و حقیقی نیست و در بحران ها حبابی بودن آنها آشکار میشود ، صدق (truth) در حقیقت خود ، گاهی با عینیت های صوری (real or fact) متفاوت است که چندی است که غرب به صحت این تفاوت قانع شده ولی راه ورسم ، جدائی این دورا جستجو نکرده است ، حقیقت که من در چندین رساله و مقاله وارد کرده ام ، امری ثابت و قانونی جهان شمول و به زمان و مکان خاص و مقطعی ارتباط ندارد ، حقیقی که در ایران صدق میکند در آمریکا هم صادق است که محقق صدق شناس درک میکند و از درک عوامانه بدور است ، پس اعتبار یک مصداق عینی طلب میکند نه واقعی و نه اعتباری که در روش شناسی حکمتی - فلسفی تحصیل میشود ، و روش های تعلیمی این گونه دروس با دروس دانشگاهی فعلی متفاوت است (به مقالات من رجوع شود).

اعداد حقیقی هستند ، جمع طبیعی آنها هم حقیقی است ، ولی با بازی اعداد که بجای عدد شئی قرار میگیرد ، این صحت پذیری ، به سنجش های لازم نیاز دارد که با شخص و مناط فنی و معیار و پیمانانه تعیین میشود و باید استاندارد شود (استاندارد معنوی و فیزیکی که سازمان استاندارد ملی در این مورد بنامه من واقعی نهاد ، در غرب نشانه های بروز استاندارد های معنوی در مستندات زیادی ملاحظه میشود) ، بنابراین وهمیات از هرکس و هر ادیب که باشد مثل سیمرغ ، شانس، تصادف ، و نظایر اینها دروغ است ، بنابراین برای رهایی از وهمیات ، نباید فرض ها (presumption) و فرضیات (theory یا hypothesis) را از اعتبارات شروع کرد ، مثل اینست که ریال بدون پشتوانه ایران را با دلار بدون پشتوانه آمریکا قیاس کنید ، هر دو حبابی است ، ولی در قدرت خرید ، رابطه (Purchasing power parity) PPP در یک بسته کالائی کاملاً مساوی از لحاظ کمی و کیفی ، قدرت خرید ایرانی 5 برابر دلار استرالیا و 7 برای آمریکا است (ارزش دلار استرالیا 37 در صد از دلار آمریکا کمتر است) به عبارت دیگر اگر یک نفر در آمریکا با حقوق ماهیانه خود در ایران خرید کند ، 7 برابر همان کالا و خدماتی را می خرد که در آمریکا می خرد ، این اعتبار ذاتی است به لحاظ سبد کالائی (basket of goods) نه به سیاست گذاری بانک مرکزی کشورها ، پس بین حقیقت و آنچه در سیاست اقتصادی کشورها و مراودات است و مردم بدون توجه به این نکات اساسی ، به آنها استناد میکنند ، صحت ندارد.

در کاوش های علمی و فناوری ، استارت آپ ها و شرکت های دانش بینان و محققان میان رشته ای نباید ، فرضیه ها از اعتبارات اخذ کنند یا به بازی ریاضیات قانع شوند ، تا چیزی موجود نباشد ، برای ناموجودیت ها نمی توان فرض قائل شد ، کشوری که نفت ندارد ، باید نفت به همان قیمت بخرد که در اجلاس کشورهای نفتی ملاک ارزش پیدا میکند ، فرد داخلی هم باید با همین رقم خریداری کند ، مگر اینکه دولت بر حسب قدرت خرید مردم و با تکیه با سایر منابع و پتانسل های کشور که حقیقی هستند ، قیمت

برای شهروندان خود تعیین میکند که بسیار ارزان تر است، هر گونه اسلوب اینگونه به قیاس عقلی واز طریق تحقیق وآنالیز فنی است و تکیه گاه این تحلیل بر اساس قانون ومقررات که شاخص ها وسنجش ها واستاندارد های آنها را ملزم میشود واز کمینگاه سلايق نجات می یابد،فلسفه از بود ونبود از وجود یا عدم وجود سخن میگوید ودراین مورد به براهین درقیاس عقلی میپردازد وادراک حسی راناتوان میداند ، یعنی باید ابتدا مفروض الوجه شئی معلوم شود وسپس حواس واحکام آن به جستجو بپردازد، انتزاع که خاص ذهن است نیاز مند به یک سری قیاسات واستقراء ها میباشد با ادراک صرف حسی نباید آسوده خیال شد ، به فرضیه علمی نیاز است ، که سیر خودرا در آزمون این فرضیه بسوی وجود باز میکند.

3. براساس مدل قواعد مدیریت دانش مفید(UKRM)، منظورمان از تخصص در امر مدیریت چیست وبه چه آمیخته هائی ازآموزه های اساسی نیاز دارد

همانطور که بیان شد ، علم فقط محصول حواس نیست وخود انواع علم یک جدال عقلی است که در بعضی از آموزه ها که صرفاً از نوع عقل حسی از طریق دستگاه حسی واعصاب است، پای لنگان دارد ،علم باید ما را به معلومات وارزش معلومات هدایت کند در غیر این صورت یک امر ذهنی است که مفیدیت آن مشخص نیست ، از دیدگاه حکما،آنچه به نام عقل هیولانی گفته می شود، اشاره به عقل فطری، و آنچه در مورد مراتب عقل نظری، نظیر عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد گفته می شود، اشاره به عقل اکتسابی دارد. (ملاصدرا، 1410: 420-418/3) ،نتیجه این که، عقل فطری در نوع انسانی به طور بالقوه موجود است و عقل اکتسابی هم با تجربه حیات (به معنای عام آن) برای انسان حاصل می شود. این از نظر روایت و حکمت و علوم تجربی مسلم است، ولی با این حال ، اصالت علم به معلوم شناسی آن است وشناسانده معلوم (یعنی عالم) ، یعنی اتحاد مثلث(علم ، معلوم وعالم) ، واین آمیزه را ما تخصص می نامیم (که با تحصیل در اصول وفروع ukrm به مدیر شایسته تبدیل میگردد)، حس وتجربه در همه ادراکات جواب درستی نمیدهد ، اینکه می گوئیم که یک نفر بدون تحصیل اکتسابی یا حضوری ، فقط با مشاهدات عینی وتجربه آموختن ، عالم نمیشود ، درست است ، ضوابطی در فرضیات علمی است که معلوم را نشان داده وعیان میکند ، دایره آن موقع درست ودایره است که تقسیم محیط آن بر قطر آن مساوی با عدد پی(π) باشد ، اینگونه فهمیدن ، دانش مفید است ، با تجربه نمی توان به فرضیه دست یافت وبدون آزمون فرضیه نمی توان به دانش که همان خصایص موجود حقیقی(The truth being) است ، دست یافت ، بجای داروی شفا بخش ، داروی بیمار ساز درست میشود ، یعنی ما باید مشی ای دنبال کنیم که وجود تبیین وتعیین شود(وجود یعنی موجودی معلوم ، هستی، دارای ذات شئی ای یا معنای حقیقی، بدون اینها هیچ وجدی حاصل نشده وعلم تلقی نمیشود ومفیدیتی ندارد ، یا اثری ندارد(نه نفع چه ضرر) ، از موارد وهمیات است) واین کار حکمت وفلسفه است که از کنکاش های آن علم زایش میکند ، فرق دانش مفید با دانش اینست که دانش مفید بدنبال جدا کردن حق از باطل بمعنی تام واکمل وشمول عام این دو واژه است ، در غیر این صورت ارزش از نارزش مشخص نمی شود .

خاستگاه غرب بصورت دروس دانشگاهی از یک طرف واز سوئی دیگر با ایجاد سیستم های مقوم ، نظام سرمایه داری بنا نهاده شده که با این اصول کاری ندارد ، من این موضوع را در مثلث " تولید انبوه ،

مصرف انبوه ، اسراف" به عنوان مبعثی از طرح روستو(Rusto) به نتایج خطرناکی رسیدیم که جهان سرمایه داری غرب دچار این مخاطرات مهلك شده است ، مفصل مورد بحث قرار دادم (رساله 70 از این محقق) ، بنابراین چپاول گری ، یک طرح سیستماتیک غربی است ، ظاهری خوش آیند وباطنی زهر گونه است ، متلاشی کننده است ، هم خودش و هم دیگر بازی کنندگان و هم پیمانان و پیروان خود را ، آینده افعالی بدون عدالت در تولید ؛ مصرف ، نهایتاً منجر به اسراف وحشتناک در غرب شده ، بطوریکه دورریز های مواد وپسماند غذایی غرب ، شکم میلیون های انسان گرسنه را در روی کره زمین سیر میکند، لذا خداوند منتقم وارد انتقام از این سلطه استعمارگر واستثمارگر شده و جهانی پر از آشوب های متنوع ، آنرا در بر گرفته است، دانش نامفید ، سوغات غرب است که حتی برای خودش ، طبیعت وزیست گاه ها وزمین وفضای آن ، انسان ، جانوران وگیاهان را دارد نابود میکند.

آنچه گفتیم به عنوان معلوم فطری (inherent definition) یاد میشود ، این فطرت است که اصالت واقع را بر اساس مفیدیت آن تائید میکند ومی توان بر اساس تجربه به توسعه وقوام آن پرداخت ، ، در اینجا سبک واقع گرایی (realism) با این شروط درساخت وتولید ایده صحیح است ، در غیر این صورت غلط میباشد ، عقل بدون توسل به قوای حسی ، می تواند مستقیماً به معلوم ماجد برای درک وجود راه پیدا کند ، واین معلوم فطری است که دانشمندان حقیقت یاب مثل انیشتن یا نیوتن از آن به عنوان الهام (inspiration) یاد میکنند ، در این دیدگاه ، اگر یک پزشک به مدیریت یک بیمارستان منصوب شود غلط است ، باید به دانش مدیریت مسلط شود ، اگر یک مدیر بدون تخصص طبابت به مسئولیت ومدیریت یک بیمارستان منصوب شود ، غلط است وهمه اینها باید آگاهی های لازم را از مبانی دانش میان رشته ای داشته باشند وبه دانش اکادمیک خود بسنده نکنند وترجیحاً در جریان حیات بخش " یادگیری مادام العمر" قرارگیرند ، این فعل شوق آور وپرانگیزه وتحرك فطری انسان ، مربوط به انسان شایسته است .

4. آشنایی با مبانی شی گزایی در سیستم گذاری در غرب واشکالات آن

تاریخچه شی گزایی که یک مفهوم ساده از وجود است ،اولین بار در سال 1966 در قالب زبانی که به منظور پیاده سازی شبیه سازی کامپیوتری(simula) تهیه شده بود ارائه شد و در سال 1970 ، مفهومی تحت عنوان Abstract Data Type(ADT) بوجود آمد، در دهه 70 زبان small talk مهیا شد وویژگی آن ، این بود که رابط، میانجی یا مشترک (interface) بصورت فهرست امکانات (menu) قابل طراحی باشد و این ویژگی بدون درک شی گزایی یا ابژه (Object) ممکن نیست از همه مهمتر موضوع پر اهمیتی که ما روی آن پافشاری میکنیم ، موضوع به ارث بردن ومالکیت (Inheritance) این شی (ذاتی یا معنایی) است چه کسی مالک اشئی (مادی یا معنوی) است ، ظاهراً محققین غربی در آن زمان به این مفاهیم کلیدی بر اساس حکمت واصالت فعل توجه داشتند وامروز که سلطه سران سرمایه داری بر کلیه شئونات غربی غلبه کرده است وهزاران چالش وبهران را در غرب را ایجاد کرده است (به ثلاثی هزاره چالش ها از این طراح مراجعه شود) ، این مبانی از اصالت افتاده وبافشار عکس های شهوت رانی و تحریک کننده وگاهی مضحک ومشمز کننده ، به دنبال مشتری در بازار قرمز (red market) هستند ومعلوم است ، چه چیزی به عنوان(ابژه) بدست مشتری میدهند.

مفاهیمی که آن زمان هم مصطلح بود و امروز ، عنان تفکر صحیح را از نظام سرمایه داری گرفته فرصت های ناب زمان حاضر را درک نمیکند ؛ تکیه بر واقعی بودن (real) بودن به عنوان درک حقیقی بودن آنست ، درست که هر مفهوم مادی یا معنایی در دنیای واقعی (real) را شئی است ، ولی مفیدیت آن برای عموم بشریت که حقیقی (true) بودن آنرا در همه مکان ها و زمان ها مسلم میکند و به وارث آن برای احراز مفیدیت عرضه میشود ، کجا است ؟ ، شاید شخصی پیدا شود و نتواند این حق را اثبات کند و یا به این حق برسد ، چه سیستمی و چه نظامی عهده دار رهبری و مدیریت برای احقاق حقوق انسان ها است (من در ده ها مقاله و رساله از هزاران حقوقی که از ملل جهان چپاول شده ، هزاران شاهد و مثال آورده ام) ، بنابراین تعریف ما از شئی و شئی گرایی ، همانست که گفتیم ، باید وجدی متمایز (Attribute) از صورت گرای شهوت آلود و فساد انگیز غربی باشد ، پرستیز بازی ، مُد درست کردن ، پُز آفریدن ، سرگرمی های غافل کننده بشر را با این نرم افزار ها و سخت افزار خلق کردن و صدها افتراحت مالی ، سیاسی ، اجتماعی و هنری و تکنولوژیکی که امروز بشریت را تهدید به مرگ کرده است ، باید از فهرست زندگی بشر حذف شود.

کلاس بندی ها (classicization) اشیاء موضوع مهم دیگری است که باید مورد محققان و شرکت های دانش بنیان قرار گیرد و مثلث "مجموعه حقیقی، مجموعه رفتاری، مجموعه عام و خاص آن ها" باید در شالوده سازی و ساختار سازی سیستم ها ، شبکه ها ، رسانه ها و تمام کسان یا سازمان های ذی ربط را در بر بگیرد ، موضوع مثلث "مجموعه حقیقی، مجموعه رفتاری، مجموعه عام و خاص آن ها" موضوع مهمی است که در رساله دیگر من از طریق محققان گرامی ، قابل جستجو میباشد (به وب سایت من مراجعه شود)، ما به برکت درکی که از حکمت و فلسفه اولی و ارزش معلومات حقیقی داریم ، این موقعیت را دریافتیم که واجد وجود حقیقی ، هر کس و هر جای این کره است ، شوقی ژرف ، انگیزه ای پر قدرت و تحرکی فطری با شکوه را تجربه خواهد کرد و اینها مربوط به انسان و مدیر شایسته است.

5. شکستگی امروز غرب در حوادث تکوینی ربطی به ایران هراسی ندارد ، غرب باید از درون خنثی شده خود از حکمت و فلسفه حقیقت یاب هراسناک باشد

وجود ذات النفس انسانی اعتقاد میکند ، آنچه واقع میشود ، جزء معلومات او قرار میگیرد و منظور از علم مربوط به حاصل و اثر آن در ارزش معلومات بدست آمده و گرنه مفهوم علم ودانائی ، بیشتر ذهنی است تا ابژه باشد ، پس ذات انسان ذات (genius or essence) را درک میکند که پایه و اساس مناط (or basis Related) قرار میگیرد میتواند معنی یکتائی (one) بدهد که وجه تمایز آن برای تقاضای مفیدیت از جانب متقاضی بدون گول زدن او است، این طبیعت گوارا را میتوان روح (spirit) و حیات ممتاز (distinguished life) بشر نام برد، ما برای این حقیقت مسلم و اژه بدیهی (of course) را بکار میبریم ، که مفیدیت آن با ماهیت و ساختار انسان مبرهن (self-evident) میشود و مورد وثوق (confidence) قرار گیرد ، این وثوق منبعث از میثاق انسان با خالق خودش است (به کتاب روح میثاق و قراردادهای اجتماعی این مولف مراجعه شود)، اطمینان به مسئله وثوق ، یکی از رویکرد قطعی استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان است .

پس قاعده " واقعیت ، وثوق ، انطباق " یک امر الزامی در تحقیق است ، اگر قرار بود که علم و معلومات آن ، خود بخود ویا با درک حسی بوجود بیاید ، همه مردم دنیا ، عالم بودند و دیگر جهلی در کار نبود ، درحالیکه عکس موضوع واقع شده است ، انسان اسیر سیر باطن خودش است یا زندان ذهن یا زندان زمان (دو شعر مجزا به عنوان زندان ذهن و زندان زمان از این محقق) ، به نظر من ، خیر و شر از همین سر باطن (in actual truth mystery) سرچشمه میگیرد ، آنکه چپاول گر و حق مردم خور است ، کاری به این براهین و نصایح حکیمان ندارد ، خر خودش را میراند که روزی به چاله بیافتد ، چنانکه حکیم زنده دل تاریخ ما سعدی علیه الرحمه فرمود " چاهست و راه و دیده بینا و آفتاب تا آدمی نگاه کند پیش پای خویش چندین چراغ دارد و بیراه می رود بگذار تا بیفتد و ببند سزای خویش " یا آنجا که ضرب المثل است " ترحم بر پلنگ تیز دندان ، ستمکاری بود بر گوسفندان " و این و هزاران براهین و نصایح از حکیمان به گوش گر ، چشم نابینا ، دل سنگی و جفا پسند این مجرمان زمان نمیرود ، مشکل ما با این جرثومه های مفسد فی الارض نیست ، با مماشات کنندگانی است که در مصادر امور با دزدان و دلالان آنها همراهی میکنند به قانون گذرانی است که از حکمت و برهان و عقلانیت روی گردان هستند ، با قضاتی است که با رشوه خواری حق را باطل و باطل را پیروز میکنند (به شعر گل های جهنم من مراجعه شود) با شیطان بزرگ و بچه ها و نوه و ننگنده های او است که دنیا را به بدبختی و فلاکت دچار کرده اند .

علم اشیاء همان حکمت است ، حکیم فقط حمّال کتب علمی نیست ، بلکه عمل خیر مایه افعال و کردار اوست ، حکیم می فهمد که همه اشیاء عالم وجود بر یکدیگر تاثیر دارد و از این جا همگرایی و هم افزایی برای زایش ارزش افزوده (value added) معنی خاص خودش را برای امور مفید پیدا میکند ، هر کار غیر مفیدی که فردی انجام دهد ، کار حرام است و باید منتظر حوادث ناگوار آن باشد ، انسان برای انسانیت خلق شده است نه برای شهوت رانی و زیاده خواهی و حق مردم را خوردن ، یک امر ضروری برای فرد زیاده طلب و دنیا پرست ، برای همه ضروری نیست ، هر استصوابی از هر کس برای کل جامعه در حکم نظریه استصواب نیست ، هر چیز متحرک از زمره حرکت جوهری نیست و جریان حقیقت را آشکار نمی کند ، هر چیزی که وارد شکم کردی ، غذا نیست ، بعضاً سم است و قوای بدن را برای قبول و پیروس ها و میکروب و باکتری های خطرناک آماده میکند ، این چگونه امور از یقینیات (Certainties) است از مفیدیات (usefulnesses) است ، تصدیق آنها با هر کس نیست ، با مصدق شناس (Truthghologist) است ، هر چیزی نسبی (Relative) نیست ، بعضاً مطلق است و تشخیص آن با مطلق شناس (Absolutist) است با تضارب افکار (Conflict of Thoughts) و جدال فازی (Fuzzy controversy) و دیالوگ و دیالیتیک (Dialectical) حل و فصل نمیشود (The solution cannot be resolved) .

شکندگی غرب از اینجا معلوم میشود که اتحاد عاقل و معقول در حقوق جامعه بشری گم شده است ، یعنی غرب بما میگوید " که شما چی میگوئید ؟ " حکایت لردی است که از یک خیابان می گذشت و دید بچه یتیمی گریه میکند ، از همراهان سوال کرد: این بچه چرا گریه میکند ؟ به او گفتند که او گرسنه است ، لرد گفت : گرسنگی یعنی چه ؟ . شیطان بزرگ گرسنه ها و فقیران افریقا و سیاهان آمریکا ، و کسانی که آنها را بدبخت کرده است ، میگوید " کثافت " و خبر ندارد که اصل کثافت خودش است و هر کس میداند که چکاره است (Everyone knows that it is) و با طینت خود به دیگران نگاه میکند ! ، در اینجا بحث سنخیت

(genesis) است ، مگر یک آدم بدجنس وبد سنخ می تواند ، یک شبه خوش جنس و خوش سنخ شود !؟، حافظه بد جنس با حافظه خوش جنس فرق میکند ، دو گونه داده های (data's) متفاوت دارد ، درک این یکی با آن یکی فرق میکند ، اینکه بینداریم ، این تازه همان کهنه است ، یک درک ناقص و ناقص است ، یعنی هنوز در خم یک کوچه هستیم ، هنوز تغییر نکردیم که تازه، تازه بگوئیم ، شا داب و طراوت و تازه گوئی ، با غلط گوئی و دروغ گوئی و خلق بدی و شرّ بدست نمی آید .

بدکار دیروزی ادبیاتی را بکار میبرد که بدکار امروزی آنرا شبیه سازی میکند ، شبیه سازی ها از یک مقوله است ، خیر خواه دیروزی با امروزی فرق نمیکند ، گویشش فرق کرده است ، حافظه کهنه و گندیده است ، که شیطان بزرگ مجسمه آنست، کشف حافظه بدکار با کشف حافظه نیکوکار تفاوت میکند ، اگر علم این ها معلوم نکرده است به حکمت رجوع نکرده است ، مریض های اطراف خودش را غربال گیری کرده است و اسمش را گذاشته ، تحقیقات علمی و مقاله میدهد که در این غربال گیری شهرت پیدا کند ، برای اینکه از مسیر حق دریافت نکرده که حافظه (memory) محصول عمل مغزی و دماغی نیست ، خود حافظه از سنخ معنوی است و مادی نیست ، برای صوری استفاده کردن، نظیر مدرکات دیجیتالی ، فعل ناچیزی لازم است و حرکت جوهری ان به در نتیجه طول موج دوبروی (de Broglie wave) آن برای انرژی های معمول بالاتر است ، بحث زمان در حافظه ، بچه معنا است؟ ، زمان مرتباً در تغییر است ولی حافظه ثابت یعنی چه ؟، در زمان ایستائی نیست ، چرا حافظه های کهنه از تغییر باز مانده اند؟ ، جزء اینست که نیت و طینت و طبیعت دیگری دایر مدار این حافظه داری است که شیاطین خیلی خوب میدانند! روح دارای شخصیت مستقل از ماده است ، نفس انسانی امری مستقل از این غوغا سالاری علم است ، علم النفس یعنی خود آگاهی ، یعنی شعور خویشتن (یعنی من) این یک ائس است که در من مانوس شده است ، جزء معلومات کهنه یا نو من است ، من دارم با همین معلومات با شما سخن میگویم ، مرا می فهمی ، پس با من هستی! ، حرف چه کسی را می فهمی ، پس با او هستی ! ، من این فهم با تو بودن و یا با دیگری بودن، هستم (ورانشناسی گشتالتی) ، از ادبیات مستخرجه از حافظه تودر کلمات اولیه می فهمم ، نمی توان در وادی حکیم نقش بازی کرد .

کسی که اینها را نفهمد ، تنها میشود ، شکننده میشود ، در سیاست ها و تصمیم گیری ها درمیماند ، مورد هجمه اهل حق قرار میگیرد ، می خواهد با حافظه نسبیت گرائی خود به حل مسائل بپردازد ، گاف (goof) میکند، یعنی مرتباً سوتی میدهد و رسوای خاص و عام میشود ، بعد عصبانی میشود ، کم کم هذیان (delusion) میگوید ، می خواهد حرف درست بزند و جبران مافات (make up for the past) کند ، ولی زبان او نمی چرخد ، گوئی عنان زبان ، عقل و همه چیز را از دست داده و مثل فرعون پرت و پلا (Outlaw) می گوید ، تارومار است، مرض ها ئی میگیرد که اطباء هم از درک آن عاجز هستند ، نظیر این حوادث در تاریخ فراوان است ، کشف جدیدی نیست، فقط باید دنیا را جور دیگری دید که نگاه حقیقی به آن است ، به آدم ها ، به جهان ، به مدیران و غیر ذالک ، اصالت دید با نگاه چشم مسلم نمی شود ، به کشف و شهود نیاز دارد ، تا قدرت انطباق پیدا کنیم ، تا هست را نیست و نیست را هست و حق را باطل و باطل را حق ندانیم ، اینها در ماوراء دیدگان سر مانیست ، وجدانی است ، با حقیقت انسان و انسانیت سروکار دارد .

منوط به اعتباریات و معلوماتی که این ابداع کننده در مدل یکتای UKRM آورده است به تجزیه و تحلیل های فاصله (gap analysis) نیاز دارد که وقتی قانع شدی با ماده این فناعت میثاق و الفت می بندی ، اساس بلد بودن در عمل کردن است ، اینکه مدعی هستی بلد هستی ، نیازی به گفتن نیست ، من در عمل تو سنجش میکنم ، آنچه منوط به علم النفس تو است در عمل و جوارح توقابل مشاهده است ، نمایشی نیست ، انجام دادنی است ، اگر انسانی اینگونه شد، هرگونه کشف و شهود او یقینی و مفید است.

6. هر علمی نباید در قالب های رویکردی خود بسندگی اختیار کند و خود را در راس علوم تلقی کند، مدیریت جهانی حکم میکند که از همه مفیدیت های تجربی ، حکیمانه ، فلسفه حقیقت یاب ، آزمون های تائید شده جهان بشریت بهره مندی حاصل شود.

قرآن کریم به صراحت موضوع جامع نگری ، خبره میان رشته ای و ارائه پاسخ های همه جانبه در ابعاد مختلف مطالبات بشری و سراسر جهانی را از هر محقق ، دانشمند مدعی و کسانیکه مدعی نجات بشر از هزاران چالش ها و بحران ها و مصائب جهان هستند ، مسلم کرده است ، چنانکه در سوره نحل آیه 69 میفرماید "و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ" یعنی " و ما بر تو این کتاب (قرآن عظیم) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد" (And We will bring you, [O Muhammad], as a witness over your nation. And we have sent down to you the Book as clarification for all things and as guidance (and mercy and good tidings for the Muslims).

در آیه دیگری بهمین مناسبت در سوره نحل و آیه 64 میفرماید " وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ" یعنی : " و ما این کتاب را بر تو فرستادیم مگر برای این که حقیقت را در آنچه (از توحید خدا و معاد و رسالت و غیره) مردم اختلاف می کنند روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشد" (And We have not revealed to you the Book, [O Muhammad], except for you to make clear to them that wherein they have differed (and as guidance and mercy for a people who believe. اصول مدیریتی و راهنمایی بشر حکم میکند در سوره بقره آیه 85 میفرماید " ثُمَّ أَنْتُمْ هُمْ أُولَئِكَ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرَجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تَفَادَوْهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ۚ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا لِلَّهِ بِعَاقِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ" یعنی " (با این عهد و اقرار) باز شما (به همان خوی زشت) خون یکدیگر می ریزید و گروهی از خودتان را از دیارشان می رانید و در بدکرداری و ستم بر ضعیفان همدست و پشتیبان یک دیگری، و چون اسیر شوند برای آزادی آنها فدیة می دهید، در صورتی که به حکم تورات، اخراج کردن آنها بر شما حرام شده است! چرا به برخی از احکام ایمان آورده و به بعضی کافر می شوید؟ پس جزای چنین مردم بدکردار چیست به جز ذلت و خواری در زندگانی این جهان و بازگشتن به سخت ترین عذاب در روز قیامت؟ و خدا غافل از کردار شما نیست" (Then, you are those [same ones who are] killing one another and evicting a party)

of your people from their homes, cooperating against them in sin and aggression. And if they come to you as captives, you ransom them, although their eviction was forbidden to you. So do you believe in part of the Scripture and disbelieve in part? Then what is the recompense for those who do that among you accept disgrace in worldly life; and on the Day of Resurrection they will be sent back to the severest (of punishment. And Allah is not unaware of what you do.

نگاه غیر جامع و محدود ساحتی بعضی حوزه های علمی اعم از دینی ، پزشکی ، فناوری ، اقتصاد و غیره (مثلاً نگاه عبادی در حوزه دین و بیان امثله و صدور احکام برای هر حوزه علمی دیگر) یک ایراد اساسی به شمار می آید ، شمول حقوق و فنون که امروزه از هزار رشته بالغ شده است و هزاران دانشگاه مختلف در سطوح گوناگون عهده آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آن در سراسر جهان هستند ، در نگاه اندیشمندان فرهیختگان و فرزندان جهان ، نامطلوب است و اصرار و ابرار بر اینکه دیگران برگفتار تک ساحتی و یا محدود و محدود یک حوزه بر سایر حوزه ها ترجیح داده و اوزان و چگالی علوم و ففونی که امروز جولان گاه و شالوده ساز کلیه فعالیت ها و جریان ها و امواج دانشگاه ها ، حوزه بهداشت و سلامتی ، زیست گیاهی و حیوانی ، صنایع گوناگون در زمین ، زیر زمین ، فضای زمین و کرات شده و همه امور مردم در شئونات در نور دیده است ، نادیده گرفتن ، حاکی از تعصب و غرور علمی و یا فقدان حظّ میان رشته ای و یا کم لطفی خاص به بهره های خیر و برکت و فیوضات و سایر مفیدیت فراوان این توسعه علمی و دانش بنیان ها است .

مطلب فوق که **اظهر من الشمس (clearer than the sun, too obvious)** است و در نزد متخصص و خبره میان رشته ای امری محتوم و اصولی بارز و آئینی استوار غیر قابل تردید است ، بعضی مواقع می خواهند کمبود فوق را در یک کار گروهی با تضارب افراد و جدال علمی یا فلسفی و گفتگوهای جمعی مثل مدل فازی (Fuzzy model) جبران کنند و یک بسته تصمیم سازی شده را برای تصمیم گیری به مدیران بدهند که آنهم ایراد اساسی دارد ، برای اینکه هر کس بر اساس روانشناسی گشتالتی (Gestalt psychology) اصرار بر دانسته های و عقاید و تعصبات بالملکه خود دارد ، و پرت کردن کلاه و لنگه کفش بیک دیگر ، یقه گرفتن و کت از تن در آوردن ، و به زور عقیده و مرام خود را در دیگران خوراندن و یاری گرفتن از سایر امکانات و ظرفیت ها برای سوار کردن نظر خود بر دیگران بر کرسی تائید و به اصطلاح شاخ شکنی کردن (Horn breaker) از رقیب نظیر بازار قرمز و رقیب کش (swagger and Red market) مشی امروز جهان شده است (به هزاره چالش ها و بحران های جهان و نیز 300 مقاله و 70 رساله از این مولف مراجعه شود).

این ابداع کننده مدل قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) که ترم یکتائی در جهان است با 13 سال تحقیق پر مخاطره و رنج فراوان این مدل را در 500 هزار صفحه و صد ها فرم و جدول آماده کرده و برای تهیه پلتفرم آن در حال تلاش و فراهم آوری است ، که یک سیستم پویا جایگزین دانشنامه های ایستا و یک سویه نظیر گوگل و غیره قرار گیرد و تعاملی و پویا عمل کند ، خداوند متعال را برای ادامه یاری مستمری که تاکنون به این بنده عنایت کرده است سپاسگذار بوده و طالب عنایات بیشتر و کامل برای پیاده سازی این مهم از ذات مقدس حق تعالی هستم